

وقف زمان بندی شده؛ راهکاری در راستای بهینه سازی و گسترش فرهنگ وقف

دکتر محمدرضا علمی سولا - الناز بیرجندیان - علی محمدیان

چکیده:

در این نوشتار سعی بر آن است که از منظر نوینی به مسأله وقف، این سنت حسنه نگریسته شود. مسأله این گونه مطرح می شود که در وقف، واقف موقوفه را به صورت زمان بندی شده بر دو گروه یا بیشتر در جهات مختلف مصرف به گونه ای که جهت استفاده هر گروه مشخص و معین باشد، وقف نماید؛ مانند این که خانه اش را وقف بر چهار گروه مختلف نموده، و چنین شرط کند که هر کدام از گروه های مذکور در سال، سه ماه حق استفاده و بهره برداری از عین موقوفه را در جهت خاص خود خواهند داشت. از مزایای این روش نوین استفاده و بهره وری بسیار مفید و فوق العاده از حداقل ها و نیز افزایش دامنه این سنت خدایی می باشد. در این روش واقف آزادی عمل بیشتری در تعیین موقوف علیهم دارد و ایشان نیز بهتر می توانند از مال موقوفه استفاده نمایند.

کلید واژه ها:

وقف، عین موقوفه، موقوف علیه، واقف، زمان بندی.

طرح بحث:

مسأله وقف زمان بندی شده نگرشی نوین به نهاد وقف می باشد که به معنای وقف مال موقوفه البته در دوره زمانی معین و تحدید شده است. با این تقریب که در فرض مذکور شخصی که قصد دارد ملک خود را وقف نماید می تواند گروه های مختلفی از موقوف علیهم را در نظر بگیرد و ملکش را به صورت زمان بندی شده در چند جهت مختلف برای مصرف، وقف چند گروه از موقوف علیهم نماید؛ یعنی صیغه وقف را در حالی جاری نماید که هر گروه و جهت استفاده هر یک را به طور واضح مشخص نموده و در نهایت برای هر یک زمانی را جهت انتفاع و استفاده مشخص نماید؛ به تعبیری واضح تر مثلاً برای یک سال چهار گروه از موقوف علیهم را در نظر گرفته و برای هر گروه با در نظر گرفتن جهت استفاده، سه ماه از سال را اختصاص دهد. لازم به ذکر است که در این مورد شرط دوام وقف پابرجاست؛ منتها دوام آن به صورت متوالی و ممتد نیست؛

بلکه براساس زمانی است که بین موقوف علیهم تقسیم گردیده است. هم چنین گروه های مختلف می توانند با شرط واقف، یا اگر وی شرط نکرده باشد و مطلق گذارده باشد، با توافق یکدیگر، زمان استفاده اختصاصی خود را با هم تعویض نمایند و این گونه به عدالت کامل از مال موقوفه بهره ببرند. باید توجه داشت که این فرض با فرض مالکیت مشاع و وقف مال مشاع تفاوت دارد؛ چراکه در مالکیت مشاع شریک به طور کامل مالک ملک نمی شود و مالکیت هر شریک در ذرات ملک منتشر می گردد، برای همین تصرف هر شریک باید با اذن سایر شرکا باشد؛ اما در فرض مذکور مالکیت هر فرد به صورت مستقل از سایر مالکین است و هر فرد مالک، حق همه گونه تصرف در ملکش را البته به حدی که به حقوق سایر مالکین لطمه وارد نکند دارد.

از مزایایی که این گونه وقف دارد آزادی عمل بیشتر واقف یا واقفین در وقف ملک خود می باشد، و نیز

تعهدات. ۳. بنای عقلا و ضرورت اجتماعی.

۱. اصل حاکمیت اراده:

اصل حاکمیت اراده یا آزادی قراردادهای که به آن اصل «حریت اراده» هم گفته می‌شود؛ یکی از مباحث مهم و مبنایی حقوق قراردادهای به‌شمار می‌رود، و ماده ۱۰ قانون مدنی نیز یکی از نتایج اصل مزبور می‌باشد. برطبق این اصل افراد در تنظیم قراردادهای خود و انجام اعمال حقوقی آزادند و قراردادهای تابع اراده افراد می‌باشد و لذا هرگونه که لازم و مقتضی بدانند می‌توانند قراردادهای خود را تنظیم نمایند.^۲ باید گفت از منظر حقوقی نیز در زمینه وقف وضع به همین منوال خواهد بود و واقف با اراده خود می‌تواند عین موقوفه را که قبل از قبض دادن در ملکیت خودش قرار دارد به گونه زمان بندی شده برای استفاده گروه‌های مختلف موقوف علیهم وقف نماید.

۲. اصل نفوذ و اعتبار تعهدات:

در ماده ۲۲۳ قانون مدنی مقرر

موقوف علیهم متعددی می‌توانند از این عمل نیکو بهره‌مند گردند، و با توجه به شکل ویژه‌ای که این نوع از وقف دارد محدودیت‌ها کنار زده می‌شود و می‌توان از حداقل‌ها بهترین و بیشترین استفاده را نمود. اگر زمانی نیاز بیشتری در جامعه به این سنت نیکو احساس شد اما منابع لازم برای این کار محدود بودند افراد می‌توانند همان مال محدود خود را به نحو احسن مورد استفاده قرار داده و وقف گروه‌های مختلفی از موقوف علیهم نمایند و بدین گونه این سنت خداپسندانه در جامعه رواج بیشتری خواهد یافت.

بررسی ادله مشروعیت وقف زمان بندی شده از جنبه حقوقی

در ابتدا به بررسی مبنای مشروعیت وقف زمان بندی شده از لحاظ حقوقی می‌پردازیم. طبق یک استنتاج عقلی سه مبنای مشروعیت وقف مذکور می‌توان ذکر نمود که عبارتند از: ۱. اصل حاکمیت اراده یا آزادی قراردادهای (ماده ۱۰ قانون مدنی). ۲. اصل نفوذ و اعتبار

گردیده است: «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر این که فساد آن معلوم شود». به نظر می‌رسد مفاد این ماده، مدلول قاعده فقهی اصالة الصحة می‌باشد. باید گفت وقف مال موقوفه به طریق زمان بندی شده نیز می‌تواند حمل بر صحت گردد و از این رو فسادی برای آن متصور نیست.

۳. بنای عقلا و ضرورت‌های اجتماعی:

صاحب عناوین در مورد معاملات عباراتی را بدین شرح آورده‌اند که: «معاملات را نباید از مخترعات شرع شمرد، مبنای آنها نیاز مردم به مبادله کالا و منافع، و گاه نقل آن اموال با عوض و یا بدون عوض است»^۳. به نظر می‌رسد می‌توان این دیدگاه را به مسأله مورد بحث نیز تعمیم داد؛ زیرا در هر حال وقف معامله واقف است با خداوند متعال که در آن منافع عین موقوفه در راه خدا و به مصارف خدایسندانه می‌رسد و در زمینه وقف زمان بندی

شده نیز مبنای نیاز جامعه و افراد جامعه خواهد بود. اگر شرایط ایجاب کند و موقوف علیهم متعدد و فراوان باشند و مال موقوفه نسبت به آنها محدودتر باشد می‌توان با زمان بندی نمودن وقف این نیاز اساسی را برطرف نمود.

به نظر می‌رسد اساساً می‌توان برای اثبات صحّت و درستی وقف زمان بندی شده به دو وجه عقلی استدلال نمود: اول این که وقف نوعی تملیک و صدقه است و نباید از نیکی به این نحو مانع شد؛ و دوم این که در مورد تخصیص و غیر آن اختیار با مالک می‌باشد و تصور مالکیت زمانی در وقف به هیچ وجه امری محال به شمار نمی‌آید؛ زیرا مطابق با دیدگاه فقها که وقف منجر به تملیک عین موقوفه به موقوف علیهم می‌شود این تملیک موقت است و بعد از انقراض آنها به خود واقف یا جانشین او برمی‌گردد. پس در واقع چون وقف نوعی صدقه و تملیک است، اگر آن را به نوعی تملیک عین موقوفه به موقوف علیهم بدانیم، در اختصاص دادن موقوفه به آنها هم اختیار با واقف

آیه ۳۴ سوره اسرا که خداوند در آن می‌فرماید: ﴿...وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَتْ بِهِ عَهْدُكُمْ وَفَا كُنْتُمْ، که از عهد سؤال می‌شود﴾ باید گفت اگرچه برخی از فقها در مورد این که عموم این آیات شامل هر عقدی که بعداً اختراع شود هم بشود اختلاف نظر دارند و معتقدند که اینها فقط بر عقود معتبر در زمان شارع دلالت دارند.^۴ لیکن فقهایی مانند صاحب عناوین که به نظر می‌رسد مشهور متأخرین نیز با وی هم رأی می‌باشند بر این نظرند که عموم آیاتی که درباره آنها بحث شد، عموم افرادی و استغراقی می‌باشد و تمام عقود و مصادیق آنها را در بر می‌گیرد.^۵ به نظر می‌رسد راجع به مسأله مورد بحث ما نیز همین نظریه جریان خواهد داشت؛ یعنی عموم آیاتی که ذکر شد شامل تمامی عقود می‌باشند و فقط مختص عقود معتبر در زمان شارع آن‌طور که برخی از فقها نظر داده‌اند نمی‌باشد، و طبق این عموم واقف می‌تواند مال موقوفه را به صورت زمان‌بندی شده و برای جهات مختلف،

است که چگونه این کار را انجام دهد؛ لذا تصور وقف زمانی امری محال محسوب نمی‌شود. و در وقف زمانی هم تمام شرایط اساسی صحت وقف مانند تحبیس اصل و اطلاق ثمره و یا عدم نقل و انتقال مال موقوفه رعایت گشته و خللی به آنها وارد نمی‌آورد.

بررسی ادله مشروعیت وقف زمان‌بندی شده از منظر فقهی:

۱. از کتاب (قرآن کریم):

از عمومات دو آیه برای اثبات مشروعیت نهاد مالکیت زمانی استفاده شده است؛ اما در این جا از باب تعمیم و اشتراک مسأله زمان در هر دو نهاد (مالکیت زمانی و وقف زمانی) می‌توانیم از عمومات این دو آیه برای اثبات مشروعیت وقف زمان‌بندی شده بهره ببریم.

آیاتی که در این جا به این منظور کاربرد دارند عبارتند از: آیه ۱ سوره مائده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوفُوا بِالْعُقُودِ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید!﴾ و

وقف موقوف علیهم متعدد نماید، و این مطلب خللی به اصل وقف وارد نمی‌آورد. چون در این نوع وقف تمامی ارکان آن به درستی مد نظر واقع شده و بر طبق اصل آزادی اراده می‌توان مالی را به این صورت نیز وقف نمود. مسأله دوام نیز که در وقف بسیار مهم می‌باشد و از ارکان آن محسوب می‌شود رعایت می‌گردد؛ البته این دوام به صورت متوالی و پیوسته نمی‌باشد؛ بلکه به صورت متناوب و مرحله‌ای می‌باشد؛ اما آنچه که مهم است این است که به هر حال عنصر دوام در این نوع وقف قابل تصور می‌باشد، و فقط نوع این دوام با توجه به ماهیت ویژه‌ای که این عقد دارد متفاوت می‌باشد که این موضوع هم نمی‌تواند خللی به اصل وقف وارد نماید.

۲. از سنت:

به نظر می‌رسد روایتی که می‌تواند ارتباط وثیقی با موضوع مورد بحث پیدا کند، حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم إلاّ کلّ شرط خالف کتاب

الله»^۶ می‌باشد.

در این مورد باید متذکر شد که لازم نیست حتماً کتاب خدا موضوع مذکور را تأیید نماید؛ بلکه همین مقدار که با آن شرط مخالفتی در کتاب صورت نگرفته باشد کفایت می‌کند.^۷ بنابراین در رابطه با شرطی هم که مخالفتی نسبت به آن در کتاب خدا صورت نگرفته مؤمنان باید به آن کاملاً ملتزم گردند.

در رابطه با وقف زمانی هم به نظر نمی‌رسد که مخالف با کتاب خدا باشد و شرط زمان بندی در انتفاع مسأله‌ای باشد که مال موقوفه را از وقفیت خارج نماید و باز هم اصل وقف صحیح و پابرجا خواهد ماند. پس طبق این حدیث نبوی وقف زمانی نیز می‌تواند صحیح و مشروع باشد.

۳. اصول فقهی توجیه کننده

وقف زمانی

۱. اصل اباحه:

اباحه در لغت به معنای اجازه دادن و روانستن می‌باشد.^۸ این واژه در اصطلاح دارای دو کاربرد می‌باشد:

زمان بندی شده شک کردیم چون نهی و بیانی از جانب شارع وارد نشده است؛ لذا این نوع وقف صحیح و مشروع می باشد و واقف نیز تکلیف خود را در این زمینه به انجام رسانیده است.

۲. اصل صحت:

قاعده یا اصل صحت و به اصطلاح فقهی «اصالة الصحة» از قواعد بسیار مهم فقه است که کاربرد فراوان دارد و به اشکال گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. مدارک و مستندات این اصل عبارتند از: آیه «اوفوا بالعقود» و حدیث «المؤمنون عند شروطهم» که بیان شد و ادله خاص عقود مانند «احل الله البيع و حرّم الربا» که در سوره بقره آیه ۲۷۵ آمده؛ بنای عقلا و اجماع علمای اسلام و آنچه که مستفاد از روایت حفص بن غیاث است که گفته: «لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق»^{۱۱}.

مفاد آیه «اوفوا بالعقود» این است که عقد بر مطلق عقود اطلاق می شود و مفاد حدیث «المؤمنون عند شروطهم»

۱. به عنوان یکی از احکام پنجگانه تکلیفی است و در مورد فعلی گفته می شود که بر انجام و یا ترک آن پاداش و کیفری قرار نمی گیرد و رجحانی در این رابطه وجود ندارد^۹. ۲. اباحه ثانوی: که منظور ما در بحث مورد نظر همین تعریف از اباحه می باشد که محل اجرای آن در موارد شک در جواز یا عدم جواز عمل است. بر طبق این اصل، در صورت وجود شک و با وجود به کارگرفتن تمام تلاش و بررسی کتاب و سنت اگر نصی در مورد منع عمل مورد تردید پیدا نشد، باید بنا را بر جایز بودن آن عمل گذاشت؛ چون انسان مطمئن است که هیچ عقابی بدون بیان از جانب شارع حکیم و دانا صادر نخواهد شد و چون در مورد فلان عمل مورد تردید بیانی وارد نشده است عمل باطل نخواهد بود و مرتکب مستحق کیفر نیست و به عبارتی عدم ورود منع، کافی است در جواز^{۱۰}.

بنابراین طبق مطالبی که در مورد اباحه بیان شد می توانیم بگوییم که هر گاه در صحت عملی مانند وقف

نیز این است که شرط بر مطلق التزام ولو این که به غیر لفظ هم باشد اطلاق می گردد. بنای عقلای تمامی ملل و نحل و تمامی عصور هم بر این قرار گرفته که اصل صحّت یک اصل مسلم حقوقی بوده و جزو آرای محموده است و شارع به عنوان رییس عقلا در این زمینه با عقلا متحدالنظر می باشد. در ارتباط با روایت حفص بن غیاث هم باید گفت چنانچه اصل صحّت را معتبر ندانیم، در نظام مسلمین اختلال و هرج و مرج به وجود می آید و این امر منجر به تعطیلی بازار مسلمین می شود. البته لازم به ذکر است که منظور از صحّت در اینجا صحت واقعی می باشد نه صحّت نزد فاعل آن؛ چراکه اگر منظور صحّت در نزد فاعل باشد، حمل نمودن معاملات بر صحّت امری لغو خواهد بود. اصل مذکور در تمامی معاملات اعم از عقود و ایقاعات جریان دارد و بر اصالة الفساد مقدم می شود^{۱۲}.

ماده ۲۲۳ قانون مدنی در تأیید اصل مزبور چنین مقرر می دارد: «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحّت

است مگر این که فساد آن معلوم شود». همچنین ماده ۱۰ قانون مدنی که حاوی اصل «آزادی قراردادها» است و به حکومت اراده نیز دامنه گسترده ای می بخشد آن را از حصار عقود معین خارج ساخته و همه قراردادها را جز در مواردی که خلاف صریح قانون باشد نافذ می داند^{۱۳}. و در واقع این ماده یکی دیگر از چهره ها و وجه های اصل صحت می باشد^{۱۴}.

لذا بنابر آنچه که گفته شد یعنی چون اصالة الصّحّة در کلیه عقود و ایقاعات جریان می یابد، در زمینه وقف زمانی هم باید جریان این اصل را مسلم دانست. پس بنابراین اصل، وقف زمانی به لحاظ صحّت واقعی، یک عمل مشروع و صحیح می باشد که ماده ۱۰ قانون مدنی هم از آن حمایت می کند.

۳. اصل تسلیط:

برخی از فقها برای بیان دایره و گستره لزوم وفای به عهد در استدلال ایشان به عموم حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم» استناد کرده اند

و بر این عقیده‌اند که لازمه تسلط بر اموال این است که تمام قراردادهای راجع به آن هم به طور اجمالی درست و صحیح باشد؛ یعنی اگر شخصی را بر مالش مسلط بدانیم لازمه این امر آن است که وی در کلیه تصرفاتش حتی معامله در مورد مالش آزاد باشد و هر طور که بخواهد با آن مال معامله کند.^{۱۵}

وقف بند زمانی موقوفه

طبق

اصل تسلیط واقف قبل

از به قبض دادن عین موقوفه مالک آن محسوب می‌شود و کاملاً مسلط بر آن است، پس می‌تواند هرگونه که بخواهد و به هر ترتیبی که مقرر بداند مالش را وقف نماید و لذا می‌تواند مالش را به صورت زمان‌بندی شده و برای

جهات مختلف مصرف، وقف موقوف علیهم متعدد نماید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

وقف زمان‌بندی شده پدیده‌ای نوین در زمینه عقد وقف محسوب می‌گردد که در آن واقف می‌تواند مال خود را به صورت زمان‌بندی شده در اختیار گروه‌های متعددی از موقوف علیهم

با تصریح جهت مصرف هر کدام و مقطعی که هر گروه مجاز به استفاده هستند قرار دهد. برای اثبات مشروعیت این نهاد به ادله حقوقی و فقهی مختلفی می شود استناد جست. از منظر علم حقوق با توجه به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای، وقف زمان بندی شده می تواند به عنوان پدیده ای نوین مورد پذیرش واقع گردد. در فقه نیز برای مشروعیت موضوع مذکور می توان به کتاب، سنت، و چند اصل از جمله اصل اباحه و اصل تسلیط استناد نمود. با پذیرش چنین وقفی دامنه این سنت حسنه گسترش می یابد و واقفین می توانند در زمینه وقف مال خود از آزادی عمل بیشتری برخوردار باشند و در نقطه مقابل نیز موقوف علیهم بیشتری بتوانند از منفعت این عمل خدایی بهره ببرند. در صورت پذیرش این پدیده نوین دیگر نباید نگران محدودیت ها بود؛ چراکه وقف زمان بندی شده محدودیت ها را از میان برمی دارد.

تنها چیزی که در اینجا بیان آن

ضروری به نظر می رسد این است که واقف باید هنگام جاری نمودن صیغه وقف به هر یک از جهات مصرف و مدت تعیین شده برای هر یک از گروه های موقوف علیهم تصریح نماید تا ابهامی در این باره بر جای نماند. و در وقفنامه هم در صورت لزوم، امکان جابجایی زمانی در نظر گرفته شود تا گروه های مختلف موقوف علیهم بنا به عدالت بتوانند از مال موقوفه بهره مند گردند. با توجه به اشاره ای که قبلاً در رابطه با این موضوع صورت گرفت لازم به ذکر است که مسأله دوام در این فرض از وقف وجود دارد؛ اما حالت توالی آن به فواصل معین زمانی قطع و وصل می گردد و این گونه نیست که وقف موقت باشد. بنابراین خللی به عنصر دوام که از عناصر اصلی وقف می باشد وارد نمی گردد؛ متها دوام در این نوع عقد به خاطر ماهیت ویژه ای که دارد با دوام در سایر عقود از قبیل وقف متداول متفاوت می باشد.

پی نوشت ها:

۱. دایرةالمعارف حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۰۶
۲. قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۲۵۴
۳. العناوین الفقهیه، ج ۲، ص ۷
۴. جامع الشتات، ص ۱۲۱
۵. العناوین الفقهیه، ج ۲، ص ۱۵
۶. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵۳
۷. ن.ک: شرح مکاسب، ج ۱۱، ص ۳۰۹
۸. الصحاح، ج ۱، ص ۳۵۷
۹. ن.ک: الاصول العامه للفقہ المقارن، ص ۶۵
۱۰. حقوق اموال، ص ۴۹
۱۱. ن.ک: القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۳۹
۱۲. همان، ص ۹۳
۱۳. قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۴۹
۱۴. اموال و مالکیت، ص ۳۵۴
۱۵. ن.ک: قواعد فقہ، ج ۲، ص ۲۷۳

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. لسان العرب، ۱۵ جلد، دارالفکر، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. القواعد الفقهیه، ۷ جلد، سید حسن بنجنوردی، نشر الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۴. وسائل الشیعه، ۳۰ جلد، محمد بن حسن حرّ عاملی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۵. تاج اللغة و صحاح العربیه، ۶ جلد، اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح - دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۶. الاصول العامه للفقہ المقارن، تحقیق: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، سید محمد تقی حکیم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۷. مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیه، حسین بن محمد راغب اصفهانى، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۸. الدروس الشرعیة فی فقہ الإمامیه، ۳ جلد، شهید اول، محمد بن مکی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۹. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۲ جلد، شهید ثانی، زین الدین بن علی،

- سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)، تهران.
۱۰. مجمع البحرین، ۶ جلد، فخرالدین طریحی، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
۱۱. المبسوط فی فقه الإمامیه، ۸ جلد، محمد بن حسن طوسی، المکتبه المرتضویه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۱۲. تهذیب الأحکام، ۱۰ جلد، -----، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۳. المختصرالنافع فی الفقه الإمامیه، ۲ جلد، علامه حلی، محقق: نجم‌الدین بن جعفر بن حسن حلی، ناشر: موسسه المطبوعات الدینیّه، قم-تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.
۱۴. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، در یک جلد، احمد بن محمد فیومی، دارالرضی، قم، اول، بی تا.
۱۵. شرح مکاسب، محی‌الدین فاضل هرنندی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش.
۱۶. قواعد عمومی قراردادها، ناصر کاتوزیان، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ش.
۱۷. حقوق مدنی، اموال و مالکیت، تک جلدی، -----، نشر میزان، تهران، پنجم، ۱۳۸۱ش.
۱۸. دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، محمدجعفر لنگرودی، انجمن حقوق بنیاد راستاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۷ش.
۱۹. حقوق اموال، -----، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ش.
۲۰. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، جعفر بن حسن محقق حلی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۲۱. قواعد فقه، ۴ جلد، سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق.
۲۲. العناوین الفقهیّه، ۲ جلد، سید میر عبدالفتاح مراغی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۳. جامع الشتات فی أجوبه السؤالات، ۴ جلد، ابوالقاسم میرزای قمی، مؤسسه کیهان، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۴. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، محمدحسن نجفی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.